

عنوان مقاله:

تحلیل ساختار رمان های اول و دوم زنان نویسنده معاصر

محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، علوم اجتماعی و حقوق (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

زهرا جوانمردی - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولیعصر رفسنجان

خلاصه مقاله:

زنان نویسنده معاصر دست به نگارش آثاری متنوع پیرامون شرایط زنان در جامعه زده اند تا تصویری بدیع و روشن از رنج و حقارت ملموس زن در عصر حاضر به دست دهند. زن و دغدغه های او، محوری ترین موضوع آثار این نویسندگان است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است. دریافته ایم که نویسندگان مورد پژوهش، اغلب از خاطرات و سرگذشت زندگی خود برای نگارش داستان ها وام گرفته اند و به طور نسبی، رمان های دوم تکرار روایت رمان های اول است. شهرنوش پارسى پور در رمان دوم خود به دلیل استفاده از تخیل قوی در خلق داستانی پر فراز و نشیب و روایت حوادث دوران تاثیرگذار قاجار، مشروطه و پهلوی و ارائه اطلاعات مفیدی از آن زمان نسبت به رمان اول موفق تر بوده است. تکرار حوادث و شخصیت های رمان اول در رمان دوم بلقیس سلیمانی و نبود رابطه علت و معلولی در وقوع برخی از حوادث و شخصیت پردازی ضعیف و شتاب زده در رمان دوم موجب شده است رمان دوم، موفقیتی در جذب مخاطب کسب نکند. زویا پیرزاد نیز در خلق رمان دوم خود موفق نبوده است؛ زیرا موضوع و فضای داستان جذاب نیست و شخصیت ها مستقل و ملموس نبوده و لحن و زبانی زنده ندارند. همچنین رمان دوم سارا سالار یک گرتنه برداری از رمان نخست اوست و در ایجاد تعلیق و خلق داستانی جدید ناتوان بوده است؛ اما سالار، در رمان اول خود علیرغم ضعف هایی که دارد، داستانی پرکشش و جذاب خلق کرده است به طوری که نگاه مخاطبان و منتقدان را به خود معطوف کرده است.

کلمات کلیدی:

ساختار روایت، شهرنوش پارسى پور، زویا پیرزاد، بلقیس سلیمانی، سارا سالار.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2032634>

